

عذاب قبر

از دیدگاه

شریعت اسلامی

عبد اللطیف نارویی

پیشینه اختلاف درباره عذاب قبر

اهل سنت و جماعت اتفاق نظر دارند که عذاب قبر حق است و با توجه به آیات وارده در این باب و احادیث صریح و متواتر، هیچ گونه تردیدی در این زمینه نیست؛ اما بعضی از عقل‌گرایان معتزلی و خوارج نخستین کسانی بودند که با تفکری انحرافی، منکر عذاب قبر شدند و راه متفاوتی را از قاطبه امت اسلامی پیش گرفتند.

علامه محمد تقی عثمانی، در تکملة فتح الملهم شرح صحیح مسلم، مذاهب متعددی را در این باره ذکر کرده است:

۱. خوارج و بعضی از معتزلیان مانند ضرار بن عمرو و بشر مریسی و موافقانشان، به طور مطلق عذاب قبر را انکار کرده‌اند؛
 ۲. جیانی از معتزلی‌ها اعتقاد دارد که عذاب قبر ویژه کافران است نه مسلمانان؛
 ۳. مذهب ابن حزم و ابن هبیره این است که فقط از روح سؤال می‌شود بدون این که روح به جسد بازگردد؛
 ۴. مذهب جمهور اهل سنت این است که هنگام سؤال و عذاب در قبر، روح به کل جسد یا به بخشی از آن برمی‌گردد. (تکملة فتح الملهم: ۴۲۰/۶)
- امام قرطبی - رحمه الله - نیز مذهب گروهی

بل اذآرك علمهم فی الآخرة بل هم فی شكّ منها بل هم منها عمون» [نمل: ۶۵-۶۶]؛ بگو: هر کس که در آسمان‌ها و زمین است - جز خداوند - غیب نمی‌داند و نمی‌دانند که کی برانگیخته می‌شوند. بلکه [اسباب] دانششان در [بارۀ وقوع] قیامت تدریجاً بر باد رفت. بلکه آنان از [وقوع] آن در شک هستند. بلکه آنان از [دیدن و پذیرفتن] آن نایبند.

صاحبان فطرت سلیم در مقابل این سخن الله تعالی سر تسلیم خم کرده و به دانش محدود خویش اعتراف می‌کنند؛ اما آنان که فقط از زاویه عقل و خرد بشری و با تجربه‌گرایی و ظاهرگرایی به همه امور می‌نگرند، همواره در چندوچون امور غیبی به ایراد شبهه می‌پردازند. یکی از مواردی که ما از حقیقت آن به کمک اخبار غیبی و در پرتو آیات قرآن و احادیث نبوی، خبر یافته و به آن ایمان داریم، گرفتار شدن گناهکاران پس از وداع با زندگی دنیا به «عذاب قبر» است؛ اما عده‌ای با برداشت‌های ظاهرگرایانه و سطحی از آیات قرآن، منکر حقیقت عذاب قبر شده و شبهاتی را در این مورد مطرح کرده و می‌کنند. ما در این نوشتار سعی می‌کنیم در پرتو دلایل شرعی به تبیین این موضوع بپردازیم.

خداوند عزوجل دین اسلام را دینی جهانی، فراگیر و ضامن سعادت بشر در همه وقت و همه جا انتخاب کرده و انسان‌ها را موظف کرده است با گرویدن به این آیین الهی به سعادت این جهانی و آن جهانی نایل گردند.

در دین اسلام بعضی از امور دینی و ایمانی چنان‌اند که انسان می‌تواند با نیروی عقل و اندیشه خدادادی خویش آنها را دریابد؛ اما پاره‌ای دیگر که به عالم غیب و نادیده مربوط‌اند، چنان‌اند که انسان نمی‌تواند آنها را با ترازوی عقل و خرد بشری بسنجد، و درباره آنها به طور حتم باید سخن خدا و رسول را بپذیرد و به وجود آنها ایمان و باور قطعی داشته باشد، مانند: دوزخ، بهشت، پل صراط، نامه اعمال، عذاب قبر، وجود فرشتگان و ... بر همین اساس خداوند عزوجل در جای‌جای قرآن در بیان اوصاف مؤمنان و پرهیزگاران آورده است: «الذین یؤمنون بالغیب» [بقره: ۳]؛ آنانی که به غیب [و جهان ماورای حس] باور دارند. و نیز یادآور شده است که غیب را به جز الله تعالی کس دیگری نمی‌داند: «قل لا یعلم من فی السموات و الأرض الغیب إلا الله و ما یشعرون ایّان یبعثون

[به سزای آن که] از آیات سرکشی می‌کردید، به عذاب خوارکننده کیفر داده می‌شوید.

امام بخاری از این آیه نیز بر اثبات عذاب قبر استدلال کرده است، و علامه ابن حجر در فتح الباری شیوه استدلال را این گونه ذکر کرده که حضرت ابن عباس درباره این آیه گفته است: این حالت هنگام مرگ پیش می‌آید و «بسط ید» به معنای زدن است و آیه دیگر قرآن «فکیف إذا توفتهم الملائكة يضربون وجوههم و أذبارهم» دلیل بر این مطلب است؛ یعنی فرشتگان پس از گرفتن جانان آنان را شکنجه می‌دهند و می‌زنند که مراد همان عذاب قبر است. (عثمانی، احکام القرآن: ۸۴/۴)

آیه سوم: «سنعذبهم مرتین ثم یردّون الی عذاب غلیظ» [توبه: ۱۰۱]؛ دوبار آنان را عذاب خواهیم کرد، آن گاه به عذابی بزرگ بازگردانده می‌شوند.

امام بخاری از این آیه نیز بر اثبات عذاب قبر استدلال کرده و ابن حجر از حسن بصری نقل کرده است که وی گفت: مراد از «سنعذبهم مرتین»، عذاب در دنیا و در قبر است، و پس از این دو عذاب به عذاب بزرگ دوزخ گرفتار می‌شوند. (فتح الباری: ۱۸۳)

آیه چهارم: «یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة» [ابراهیم: ۲۷]؛ خداوند مؤمنان را در زندگانی دنیا و در آخرت به سخن استوار، پایدار می‌دارد.

امام بخاری در صحیح بخاری از حضرت براء بن عازب روایت کرده است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمود: هنگامی که مؤمن در قبرش گذاشته می‌شود، آن گاه گواهی می‌دهد که هیچ معبودی سزاوار پرستش نیست جز خداوند و این که محمد رسول خداست. پس مراد آیه «یثبت الله الذین آمنوا...» همین است و درباره احوال انسان در قبر نازل شده است.

درباره عذاب قبر آیه‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد که علما از آن بر اثبات عذاب قبر استدلال کرده‌اند، چنان که امام قرطبی در کتاب «التذکره فی احوال الموتی و امور الآخرة»، علامه ابن قیم در کتاب «الروح» و علامه سیوطی در «شرح الصدور فی احوال الموتی و القبور» این آیات را ذکر کرده‌اند.

اثبات عذاب قبر از احادیث

درباره ثبوت عذاب قبر، احادیث بی‌شماری از رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - روایت شده است، و تنوع و تعداد این روایات

فهم ناقص خود مناسک حج را انجام می‌دهد. در ضمن چنین تصویری در واقع ایراد وارد کردن به خود قرآن است؛ زیرا در آیات متعددی از قرآن، دستور به پیروی و اطاعت از حضرت رسول - صلی الله علیه وسلم - داده شده است و نپذیرفتن فرمایشات ایشان تنها به بهانه این که از طریق صحیح به ما نرسیده‌اند، در واقع کارشکنی در اجرای فرمان خداوند است. البته به تصریح دانشمندان قرآن پژوه و مفسران متبحر، آیه‌های زیادی در قرآن مجید هست که بر حقیقت عذاب قبر دلالت دارد و ما در این جا به ذکر بعضی از آنها می‌پردازیم:

آیه اول: خداوند عزوجل درباره فرعون و فرعونیان آورده است: «النار یرضون علیها غدواً و عشیا و یوم تقوم الساعة ادخلوا ال فرعون اشد العذاب» [غافر: ۴۶]؛ آتش است که [در عالم برزخ] به هنگام صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، و روزی که قیامت بر پا شود [گوییم]: فرعونیان را به سخت‌ترین عذاب درآورید.

این آیه به اتفاق مفسران و محدثان، درباره عالم برزخ و عذاب قبر است؛ زیرا نخست عرضه شدن آنها بر آتش در صبحگاهان و شامگاهان ذکر گردیده، سپس از عذاب دردناک قیامت سخن به میان آمده است که دو عذاب جداگانه‌اند. امام بخاری نیز از این آیه بر اثبات عذاب قبر استدلال کرده و در باب «المیت یرض علیها بالغداة و العشی» حدیثی از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت کرده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «هرگاه کسی از شما بمیرد، صبحگاهان و شامگاهان جایگاهش (در بهشت یا دوزخ) به او عرضه می‌شود و او آن را مشاهده می‌کند.» امام قرطبی گفته است: جمهور علما بر این باوراند که این عرضه‌شدن، در عالم برزخ صورت می‌گیرد که دلیلی است بر اثبات عذاب قبر. (فتح الباری: ۳۸۰/۳)

آیه دوم: «لو تری إذ الظالمون فی غمرات الموت و الملائكة باسطوا أیدیهم أخرجوا أنفسکم، آیوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تقولون علی الله غیر الحق و كنتم عن آیاته تستكبرون» [انعام: ۹۳]؛ و [شگفت زده شوی] چون بنگری وقتی که ستمکاران در شداید و سكرات مرگ باشند و فرشتگان دستان خود را گشاده و دراز کرده‌اند [و آنان را می‌زنند و می‌گویند]: جان‌هایتان را بیرون آورید. امروز [به سزای] آنچه به ناحق بر خداوند می‌گفتید و

از معتزلیان مانند بشر مریسی و یحیی کامل و ... را نقل کرده است که آنان به طور کلی منکر عذاب قبر بوده و گفته‌اند: هر کسی بمیرد، تا روز قیامت در قبرش مرده می‌ماند (یعنی هیچ نوع احساسی ندارد و روح به جسدش ولو برای یک لحظه هم بازمی‌گردد). (التذکره فی احوال الموتی و امور الآخرة: ۲۲۱)

تنها خوارج و معتزله نبوده‌اند که عذاب قبر را انکار کرده‌اند، بلکه در طول تاریخ اسلام کسان دیگری نیز با تکیه بر عقل و خرد صرف و با تجربه‌گرایی و ظاهرگرایی از پذیرفتن این باور دینی سرباز زده و در میان امت اسلامی نغمه دیگری را ساز کرده و نوای اعتزالی سر داده‌اند.

علامه ابن عبدالبر مالکی در کتاب «التمهید» از عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - روایت کرده است: از عمر بن خطاب - رضی الله عنه - شنیدم که فرمود: ای مردم رجم حق است، در این باره به سوی گمراهی مروید؛ رسول خدا و ابوبکر صدیق رجم کرده‌اند، پس از آنان در دوره من نیز رجم صورت گرفته است؛ اما به زودی در میان این امت افرادی پیدا می‌شوند که رجم را انکار می‌کنند، خروج دجال را نمی‌پذیرند، طلوع خورشید از مغرب را تکذیب می‌کنند، عذاب قبر را انکار می‌کنند و قیامت را نیز نمی‌پذیرند. (همان: ۲۲۰)

دلایل اثبات عذاب قبر از قرآن

بعضی از منکران عذاب قبر چنین می‌پندارند که درباره عذاب قبر در قرآن هیچ بحثی وارد نشده است و بر احادیث نیز نمی‌توان اعتماد کرد؛ لذا نتیجه می‌گیرند که عذاب قبر حقیقت ندارد. در پاسخ باید گفت: به فرض صحت ادعایشان که در قرآن آیه صریحی درباره عذاب قبر نیامده باشد، باز هم این ادعا، دلیلی منطقی برای انکار این مسئله نیست؛ زیرا بسیاری از احکام اسلامی در قرآن به صورت کلی آمده‌اند و جزئیاتشان را حضرت رسول - صلی الله علیه وسلم - تشریح و تشریح کرده است، مانند رکعت‌های نماز، مقادیر زکات اموال، شیوه ادای حج و ... پس در چنین مواردی اگر احادیث آن حضرت را نپذیریم و به آنها اعتماد نکنیم، به سخن چه کسی می‌توانیم اعتماد کنیم و چه راهی را می‌توانیم برگزینیم؟ آیا غیر از این است که قرآن باز یچۀ اندیشه‌های کژروان و برداشت‌های نادرست هر کس و ناکس قرار خواهد گرفت و هر کس مثلاً به دلخواه خود نماز می‌خواند و مطابق

به حدی است که علما به تواتر معنوی این روایات حکم کرده و با تأکید درباره حقیقت عذاب قبر سخن گفته‌اند.

علامه جلال‌الدین سیوطی بسیاری از این روایات را در دو کتاب «شرح الصدور فی أحوال الموتی و القبور» و «البدور السافرة فی أحوال الآخرة» ذکر کرده است که دلیل روشنی بر اثبات عذاب قبراند و تعداد آنها به هفتاد حدیث می‌رسد.

مفتی محمدشفیع عثمانی در «أحكام القرآن» اسامی چهل تن از اصحاب را که در این باره روایت دارند به نقل از صحیح بخاری، فتح‌الباری و شرح‌الصدور ذکر کرده است. این همه روایات از اصحاب کرام - رضی‌الله‌عنهم - جای هیچ شک و شبهه‌ای را در این باره باقی نمی‌گذارد.

ذکر تمامی آن روایات از حوصله این نوشتار خارج است، لذا به ذکر بعضی از احادیث صحیح بسنده می‌کنیم:

حدیث اول: امام بخاری در چندین جا از کتاب صحیح خود و نسائی و دیگر محدثین از حضرت اسما بنت ابوبکر صدیق - رضی‌الله‌عنهما - روایت کرده‌اند که رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - برای مردم موعظه کرد و از فتنه و آزمایش قبر و این که آدمی بدان گرفتار می‌شود، سخن گفت. هنگامی که پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - در این باره سخن گفت، مردم از ترس به همه‌همه افتادند.

حدیث دوم: از حضرت انس - رضی‌الله‌عنه - روایت شده که رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - فرمود: «لولا أن لاتدافنوا، لدعوت الله أن یسمعکم من عذاب القبر» (رواه مسلم)؛ اگر ترس آن نبود که شما مردگانتان را دفن نمی‌کنید، از خداوند می‌خواستم که عذاب قبر را به شما بشنواند.

حدیث سوم: عبدالله بن عمر - رضی‌الله‌عنهما - از رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «إن أحدکم إذا مات عرض علیه مقعده بالعداوة والعشی، إن کان من أهل الجنة، فمن أهل الجنة، و إن کان من أهل النار، فمن أهل النار، فیقال: هذا مقعدک حتی یتبعک الله إلى القيامة» (رواه البخاری و مسلم و الترمذی و النسائی و ابوداود)؛ هر گاه کسی از شما بمیرد، صبحگاهان و شامگاهان جایگاهش (در بهشت یا دوزخ) به او عرضه می‌شود. اگر از بهشتیان باشد، جایگاهش در بهشت، و اگر از دوزخیان باشد، جایگاهش در دوزخ به او نشان داده شده و گفته می‌شود: این جایگاه

ایمان داشتن به عذاب قبر و فتنه قبر واجب و تصدیقش همان گونه که رسول صادق - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - خبر داده، لازم است. اخباری که از پیامبر مختار - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - به ما رسیده‌اند همین مطلب را می‌رسانند و مذهب اهل سنت و جماعت نیز همین است و اصحاب کرام که قرآن به زبانشان نازل شد، جز این را از پیامبر خدا - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - نفهمیدند، و تابعین و دیگرانی که پس از آنان آمدند نیز همین مطلب را فهمیده‌اند

توست تا این که روز رستاخیز از این جا برخیزی.

حدیث چهارم: عبدالله بن عباس - رضی‌الله‌عنهما - روایت کرده است: مَرَّ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِقَبْرِ بِنْتِ قَيْسِ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ، فَقَالَ: «إِنَّهَا لِيَعَذَّبَانِ وَمَا يَعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ؛ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَ أَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ». ثُمَّ أَخَذَ جَرِيرَةَ رَطْبَةٍ فَشَقَّهَا نِصْفَيْنِ، فَغَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدًا. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لِمَ فَعَلْتَ؟ قَالَ: «لَعَلَّهُ يَخْفَعُ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَبْسُاسَا» (أخرجه البخاری)؛ رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - از کنار دو قبر گذر کرد و فرمود: صاحبان این دو قبر به عذاب گرفتاراند، البته آنها به خاطر گناه بزرگی سزا داده نمی‌شوند؛ یکی از این دو نفر از [ترشح و چکیدن] ادرار [بر روی بدن و لباسش] پرهیز نمی‌کرد، و دومی سخن چینی می‌کرد...

حدیث پنجم: عن أبي هريرة قال: قال رسول الله - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - : «عوذوا بالله من عذاب القبر، عوذوا بالله من فتنة المسيح الدجال، عوذوا بالله من فتنة المحيا والممات». (رواه مسلم) و عن أبي هريرة قال: كان رسول الله - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - يدعو: «اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر، و من عذاب النار، و من فتنة المحيا و الممات، و من فتنة المسيح الدجال». (أخرجه البخاری) آن حضرت به اصحاب توصیه کردند که از عذاب قبر به خدا پناه ببرند، و هم خود در دعاها از عذاب قبر به خدا پناه می‌بردند.

حدیث ششم: عن عثمان رضي الله عنه، أنَّ رسول الله - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - قال: «ما رأيت منظرًا قط إلا القبر أفضع منه» (أخرجه الترمذی)؛ من هرگز منظره‌ای هولناک‌تر از منظره قبر ندیده‌ام.

در این زمینه احادیث دیگری نیز آمده است که مفهوم برخی از آنها عبارت است از: مردگان با یکدیگر دیدار می‌کنند؛ قبر نخستین منزل آخرت است؛ قبر با انسان سخن می‌گوید؛ عمل میت با او در قبر می‌رود؛ باید برای میت قوم صالحی را برگزینند، یعنی او را در میان قبور صالحان دفن کنند؛ و احادیث بی‌شمار دیگر که امام قرطبی بسیاری از آنها را در کتاب «التذكرة» آورده است.

امام قرطبی پس از ذکر بسیاری از دلایل وحیانی و روایی، می‌نویسد: ایمان داشتن به عذاب قبر و فتنه قبر واجب و تصدیقش همان گونه که رسول صادق - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - خبر داده، لازم است. اخباری که از پیامبر مختار - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - به ما رسیده‌اند همین مطلب را می‌رسانند و مذهب اهل سنت و جماعت نیز همین است و اصحاب کرام که قرآن به زبانشان نازل شد، جز این را از پیامبر خدا - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - نفهمیدند، و تابعین و دیگرانی که پس از آنان آمدند نیز همین مطلب را فهمیده‌اند. (التذكرة: ۲۵/۱)

حکم منکر عذاب قبر

امام احمد بن حنبل می‌گوید: عذاب قبر حق است و جز انسان گمراه و گمراه‌کننده، کسی آن را انکار نمی‌کند. (ابن قیم، الروح: ۵۷) امام قرطبی می‌گوید: هر کس بگوید روح می‌میرد و فنا می‌شود، ملحد است. (التذكرة: ۲۱/۱) مفتی محمدشفیع عثمانی به نقل از علامه سیوطی می‌نویسد: منکر عذاب قبر بدعتی و فاسق است. شاه عبدالعزیز محدث دهلوی در فتاوی‌ای عزیزی می‌نویسد: انسان را بعد موت ادراک باقی می‌ماند، برین معنی شرع شریف و قواعد فلسفی اجماع دارند؛ اما در شرع شریف پس عذاب قبر و تنعیم به تواتر ثابت است و تفصیل آن دفتر طویل می‌خواهد و کتاب «شرح الصدور بشرح حال الموتی و القبور» که تصنیف شیخ جلال‌الدین سیوطی است و دیگر کتب حدیث را باید دید و در کتب کلامیه اثبات عذاب القبر می‌نمایند؛ حتی که بعضی اهل کلام منکر آن را کافر می‌دانند و عذاب و تنعیم به غیر ادراک و شعور نمی‌تواند شد ... بالجمله انکار شعور و ادراک اموات اگر کفر نباشد در الحاد بودن او شبهه نیست. (فتاوی‌ای عزیزی: ۸۸/۱)

بحثی پیرامون روح

سخن گفتن درباره روح، قدری دشوار است؛

به کار برده است که این امر در صورت زنده ماندن روح پس از موت جسد امکان پذیر است؛ دوّم این که خداوند به «نفس مطمئنه» یعنی روح انسان نیکوکار دستور داده تا با ارواح بندگان نیک خدا یک جا شود که این نیز بر زنده ماندن روح دلیل است؛ سوّم این که خداوند عزّوجلّ وصف راضی و مرضی بودن را برای روح به کار برده است که این وصف نیز دلیل واضحی بر زنده بودن آن است و باید اندیشید که اگر روح مرده است، پس چرا مورد خطاب قرار می گیرد؟ (الروح: ۱۷۰)

– همچنین در سوره توبه آیه ۱۰۵ آمده است: «و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون و سترّدون إلى عالم الغیب و الشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون». از سبب «سترّدون» روشن است که این افراد فوراً بعد از مرگ به سوی خداوند برگردانده می شوند و خداوند آنها را از کرده هایشان آگاه می سازد. سؤال این جاست که اگر با مرگ جسم، روح نیز بمیرد آن گاه چگونه به سوی خداوند برمی گردد و خداوند چگونه او را از کرده هایش آگاه می سازد. پس نتیجه می گیریم که روح زنده می ماند.

– دلیل دیگر بر عذاب قبر و زنده بودن روح پس از مرگ، این آیه است که خداوند درباره منافقان گفته است: «سنعذبهم مرّتين ثم یردّون إلى عذاب عظیم» [توبه: ۱۰۱]. مفسران در تفسیر «سنعذبهم مرّتين» گفته اند: یک عذاب در دنیا است که به ذلت و رسوایی گرفتار می شوند، و عذاب دوّم در قبر است و آن گاه در قیامت به عذاب بزرگ دوزخ گرفتار می شوند.

– دلیل دیگر این آیه است: «والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا أو ماتوا لیرزقّهم الله رزقا حسنا» [حج: ۵۸]. خداوند عزّوجلّ درباره کسانی که در راه خدا کشته می شوند و یا می میرند وعده داده است که آنان را از رزق نیکو، روزی می دهد و این اوصاف برای روحی که زنده است متصوّر و امکان پذیر است، و این رزق حسن هم برای کسی است که شهید شده و هم برای کسی است که مرده است؛ پس روح اینان مرده نیست، بلکه زنده است.

– خداوند عزّوجلّ درباره شهیدان فرموده است: «و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء عند ربّهم یرزقون». یعنی شهیدان زنده هستند و هرگز با مرگ ظاهری، مرده محسوب نمی شوند، بلکه در جایگاهی بالاتر از زندگی برزخی دیگر مردگان، زنده هستند

درد می کشد.

علامه ابن قیم برای زنده بودن روح پس از مرگ جسد، صد و شانزده دلیل از قرآن و سنّت ذکر کرده است که در این جا برخی از آنها را ذکر می کنیم:

– خداوند عزّوجلّ در قرآن کریم می فرماید: «الله یتوفی الأنفس حین موتها و التي لم تمت فی منامها فیمسک التي قضی علیها الموت و یرسل الآخری الی أجل مسمی» [زمر: ۴۲]؛ خداوند ارواح همه را به هنگام مرگشان می ستاند، و نیز [می ستاند] به هنگام خوابش ارواح آنانی را که مرگشان فرانسیده است. و آن [ارواحی را] که حکم مرگ بر آنها (صاحبانشان) کرده است، نگاه می دارد، و [ارواح] دیگر را تا وقت معینی [باقی] می گذارد.

خداوند در این آیه از وفات دادن نفس (روح) و امساک آن و ارسال آن، سخن گفته است و این امور در صورتی امکان پذیراند که روح جسم بوده و پس از مرگ بدن زنده باشد، ورنه امساک و ارسال آن معنایی نخواهد داشت. و امساک به معنای فناشدن نیست، و همانا چیز زنده قابل امساک و ارسال است نه مرده.

– در جایی دیگر می فرماید: «یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» [فجر: ۲۷ - ۳۰]؛ [به هنگام مرگ به روح مؤمن گفته شود] ای نفس آرام گیرنده [در سایه اطاعت و عبادت الله]، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد و در زمره بندگان [نیک] من درآی و [نیز] به بهشت من درآی. در این آیه سه دلیل بر زنده ماندن روح وجود دارد: اول این که خداوند عزّوجلّ وصف رجوع یعنی بازگشت را برای نفس

زیرا خداوند عزّوجلّ درباره روح فرموده است: «قل الرّوح من امر ربّی و ما اوتیت من العلم إلا قلیلاً» [اسراء: ۸۵]. البته با مدنظر قرار دادن همین علم قلیل و اندک که خداوند عزّوجلّ بدان اشاره کرده و بعضی را دانشی در این باره عنایت کرده است، بسیاری از علما در این باره سخن گفته و اظهار نظر کرده اند. علامه ابن قیم کتاب مفصل و مدللی در این باره با عنوان «الروح» نگاشته و مباحث مهمی را در آن مطرح کرده است. به هر صورت درباره روح پرسش هایی وجود دارد، از جمله: آیا روح جسم مستقلی است یا خیر؟ روح و نفس یک چیزاند یا دو چیز؟ آیا روح می میرد یا نه؟ آیا عذاب قبر بر روح است یا بر بدن یا بر هر دو؟

در پاسخ به این پرسش ها، محققان سلف دیدگاه های بسیاری را نقل کرده اند و گفتار درست تر را در پرتو دلایل شریعت اسلامی بیان کرده اند؛ چنان که علامه قرطبی پس از بحث درباره روح می نویسد: درباره روح صحیح ترین گفتار، مذهب اهل سنّت و جماعت است که می گویند روح یک جسم است و این جسم پس از مرگ نیز محفوظ است، یا در نعمت و خوشی است و یا در عذاب. (التذکره: ۲۱۵/۱)

علامه ابن قیم نیز پس از بیان دیدگاه های مختلف می نویسد: درباره نفس و روح علما اختلاف دارند که اینها یک چیزاند یا دو چیز؟ دیدگاه جمهور امت این است که هر دو یک چیزاند. (الروح: ۲۱۷) ابن حزم نیز انگاشته است که نفس و روح دو اسم مترادف برای یک معنی اند. (همان: ۱۷۷) امام قرطبی نیز بر همین نکته تأکید کرده است. (التذکره: ۲۱۴/۱)

اما این که آیا روح می میرد یا خیر؟ علما با اتفاق نظر گفته اند: روح به هنگام مرگ بدن نمی میرد گرچه خوارج و برخی از معتزلیان در این باره با رأی جمهور امت مخالف اند و می گویند: روح می میرد و پس از مرگ عذابی نمی بیند. (التذکره: ۲۲۱/۱)

موت به عدم محض و فنای صرف اطلاق نمی گردد، بلکه منقطع و جدا شدن رابطه روح با بدن را موت می گویند که مرده از حالی به حالی تغییر و از منزلی به منزلی دیگر انتقال می یابد. (همان: ۱۹۱) با توجه و دقت در آیه های قرآن مجید و احادیث گهربار حضرت رسول - صلی الله علیه وسلم - جای هیچ گونه شک و تردیدی باقی نمی ماند که روح زنده می ماند و با موت جسد نمی میرد و احساس دارد و

خداوند عزّوجلّ امور مربوط به آخرت را از امور غیبی قرار داده و از دید بندگان در این جهان پنهان داشته است و این از کمال حکمت خداوند است تا مؤمنانی که غیب را می پذیرند از کسانی که نمی پذیرند ممتاز گردند؛ چنان که به گواهی قرآن و حدیث هنگام احتضار و جان کندن هر شخص، فرشتگان نزد او آمده و با او سخن می گویند و به او بشارت و یا وعید می دهند، اما از حاضران مجلس کسی آنها را مشاهده نمی کند، پس اگر کسی با چشم ظاهر نتواند عذاب قبر را مشاهده کند، بر عدم وجود آن نمی تواند حکم کند

و از خوان نعمت خداوند روزی می‌خورند. و این خطاب خداوند عزوجل، تنها متوجه مخاطبان اول قرآن و صحابه و یاران پیامبر نیست، بلکه تافراسیدن قیامت همه مسلمانان مخاطب این آیه قرار دارند و این خود دلیل دیگری بر زنده بودن روح است.

آنچه ذکر شد، بخشی از دلایل قرآنی بر زنده بودن روح آدمی پس از مرگ ظاهری اوست. و البته کتاب‌های حدیث سرشار از روایات صحیح و صریح هستند که این واقعیت را به تصویر می‌کشند و جای هیچ‌گونه تردیدی را در این مورد باقی نمی‌گذارند.

یوم الفصل قیامت است،

پس عذاب قبر چیست؟

برخی از منکران عذاب قبر، استدلال می‌کنند که خداوند عزوجل در قرآن قیامت را «یوم الفصل» یعنی روز فیصله بین خوبان و بدان، و «یوم الحسرة» یعنی روز حسرت و افسوس برای بدکاران عنوان کرده است؛ چنان‌که می‌فرماید: «إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ مِیقَاتِهِمْ أَجْمَعِینَ» [دخان: ۴۰]، «و آن‌دهم یوم الحسرة إذ قضی الأمر» [مریم: ۳۹]. بنابراین می‌گویند که اگر در قبر عذابی می‌بود، باید قبر یوم الفصل و یوم الحسرة می‌شد نه قیامت. و با این استدلال نتیجه می‌گیرند که قبل از قیامت در قبر عذابی وجود ندارد.

مولانا یوسف لدیانوی، از علمای برجسته معاصر، در پاسخ به این شبهه گفته است: درست است که به گفته شما فیصله در روز قیامت می‌شود، اما لازمه‌اش این نیست که در دنیا یا برزخ هیچ نتیجه‌ای بر اعمال نیک و بد مترتب نباشد. بسیاری از نصوص قرآن و سنت گواه این مطلب‌اند که برزخ به‌جای خود، در همین دنیا نیز سزا و پاداش اعمال نیک و بد ظهور می‌یابد، و از آن‌جاکه زندگی برزخ بیش از حیات دنیوی با آخرت وابسته است، بنابراین مترتب شدن ثمرات اعمال در برزخ، به‌طور کامل با عقل و قیاس منطبق است. (آپ کی مسائل اور انکا حل: ۳/۱)

پاسخ دیگر این‌که «یوم الحسرة» بودن قیامت، تضادی با وجود عذاب قبر ندارد؛ زیرا عذاب و خوشی قبر به‌منزله وعید و بشارتی بس ناچیز در برابر عذاب دوزخ برای نافرمانان و خوشی‌های بهشت برای نیکوکاران است و همانا فیصله اصلی بین بندگان و روز حسرت همیشگی، همان قیامت است نه قبر. همچنین در آیه فصل که جلوتر ذکر شد، خداوند

عزوجل می‌فرماید: همه در آن روز گرد هم می‌آیند. و چنین امری تنها در قیامت متصور است که همه گرد هم بیایند. پس یوم الفصل بودن قیامت قطعی است و این تنافی‌ای با خوشی و عذاب در قبر ندارد.

پاسخ به برخی شبهات منکران عذاب قبر

شبهه اول: منکران عذاب قبر برای انکار عذاب قبر می‌گویند: اگر قبری را که برای میت حفر کرده‌ایم بشکافیم، به‌عیان می‌بینیم که هیچ اثری از عذاب و یا خوشی در آن مشاهده نمی‌شود و نه از فشار قبر که در روایات آمده خبری است؛ زیرا نه تنگ‌تر شده و نه گشاده‌تر، بلکه به همان حالت نخستین باقی مانده است و نه در آنجا فرشته‌ای دیده می‌شود و نه مار و موری مشاهده می‌گردد. اگر در قبر عذابی وجود می‌داشت، باید آثارش ظاهر می‌شد. بنابراین عذابی در قبر وجود ندارد و مرده تا قیامت مرده است و احساسی ندارد.

علما در پاسخ به این شبهه، استدلال‌های محکمی ذکر کرده‌اند که به‌طور خلاصه ذکر می‌گردد:

پاسخ اول: خداوند عزوجل امور مربوط به آخرت را از امور غیبی قرار داده و از دید بندگان در این جهان پنهان داشته است و این از کمال حکمت خداوند است تا مؤمنانی که غیب را می‌پذیرند از کسانی که نمی‌پذیرند ممتاز گردند؛ چنان‌که به گواهی قرآن و حدیث، هنگام احتضار و جان‌کندن هر شخص، فرشتگان نزد او آمده و با او سخن می‌گویند و به او بشارت و یا وعید می‌دهند، اما از حاضران مجلس کسی آنها را مشاهده نمی‌کند. پس اگر کسی با چشم ظاهر نتواند عذاب قبر را مشاهده کند، بر عدم وجود آن نمی‌تواند حکم کند.

پاسخ دوم: جهان آخرت در بسیاری از امور با این جهان متفاوت است و به هیچ وجه نمی‌توان این دو جهان را در همه امور با یکدیگر مقایسه کرد؛ قبر هم منزلی از منزل‌های آخرت است و سنجیدن عذاب آن در این جهان امکان‌پذیر نیست. آدمی با چشم ظاهری بسیاری چیزها را نمی‌بیند، ولی به وجود آنها باور دارد. امام غزالی می‌گوید: اگر به عذاب قبر ایمان و باور نداری، پس بر تو لازم است تا نخست اصل ایمان به فرشتگان و وحی را تصحیح کنی، و اگر این را می‌پذیری که پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - چیزهایی را می‌بیند که امت نمی‌بینند، پس درباره

عذاب قبر چرا این حقیقت را نمی‌پذیری و همان‌گونه که فرشته شبیه موجودات دنیا نیست، پس مار و کژدم قبر نیز که میت را نیش می‌زنند از جنس مارهای این جهانی نیستند، بلکه از جنس دیگری بوده و با حاسه دیگری قابل درک‌اند. (احیاء علوم‌الدین: ۱۹۸۶)

پاسخ سوم: توجه به مسئله خواب بسیاری از حقایق را در این زمینه برای ما روشن



می‌کند. گاهی دو نفر را می‌بینیم که کنار هم خوابیده‌اند، یکی خواب‌های ترسناک می‌بیند که مار و یا درنده‌ای به او حمله می‌کند و او در خواب فریاد می‌کشد و با تمام وجودش درد و رنج احساس می‌کند؛ و دیگری در خواب بسیار شادمان است، خواب‌های خوش می‌بیند و از خوابش لذت می‌برد. این دو نفر در کنار هم قرار دارند، اما از حال یکدیگر خبر ندارند و کسی هم که در کنار آن دو نشسته است خوشی و رنج آن دو را احساس نمی‌کند. پس در قبر هم حالاتی بر انسان طاری می‌شود که برای مردم دنیا قابل

او می‌آید.

بعضی از علما نیز گفته‌اند: این مسئله از واقعه «عالم ذر» بعیدتر نیست که خداوند در روز اُلت ابنای بشر را مانند ذراتی از کمر حضرت آدم بیرون آورد و از آنان به خدایی خود اعتراف گرفت و گفت: اُلت بریکم/ آیا من پرورگار شما نیستم؟ پاسخ دادند: بلی/ آری تو پروردگار ما هستی! پس بر جمع کردن این اجزای پراکنده نیز خداوند قدرت دارد. در احادیث داستان مردی آمده است که هنگام مرگ دستور داد او را پس از مرگ بسوزانند و بخشی از خاکستر جسدش را به باد بسپارند و بخشی را در دریا ریزند. خداوند دستور داد اجزای بدن او از خشکی و دریا یک‌جا جمع شوند و آن‌گاه از او پرسید: چرا چنین کردی؟ گفت: از خوف تو چنین کردم! (رواه البخاری و مسلم) خداوند متعال قدرت دارد به هر صورتی که بخواهد، میت را به سزای اعمالش برساند یا به او پاداش نیک دهد و هیچ چیزی در این باره مانع نخواهد بود. بنابراین عذاب قبر حق است و با توجه به دلایل مستحکم قرآن و حدیث جای هیچ شک و شبهه‌ای در این باره باقی نمی‌ماند.

در پایان دعا می‌کنیم خداوند غفور و رحیم به لطف و کرمش ما را بنده فرمان‌بردار و نیک‌کردار خویش قرار دهد، از انحراف و اعتزال و خروج از شاهراه کتاب‌الله و سنت رسول‌الله مصون بدارد و از عذاب قبر و قیامت رهایی بخشد؛ آمین یا رب العالمین. ■

منابع:

۱. ابن‌القیم الجوزیه، شمس‌الدین ابوعبدالله؛ الروح؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۵.
۲. عسقلانی، حافظ احمد بن علی بن حجر؛ فتح‌الباری؛ قاهره: دارالحدیث، ۱۴۲۴هـ/۲۰۰۴م.
۳. دهلوی، شاه عبدالعزیز؛ فتاوی‌ عزیزی.
۴. سیوطی، جلال‌الدین؛ شرح‌الصدور بشرح حال الموتی و القبور؛ دمشق: دار ابن‌کثیر، ۱۴۲۰.
۵. عثمانی، محمدشفیع؛ احکام‌القرآن جلد ۴؛ کراچی: اداره‌القرآن و العلوم الاسلامیه، ۱۴۱۳.
۶. عثمانی، محمدتقی، تکملة فتح‌الملهم؛ کراچی: مکتبه‌دارالعلوم کراچی، ۱۴۱۶.
۷. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد؛ إحياء علوم‌الدین؛ بیروت: دارالکتب‌العربی، ۱۴۲۵.
۸. قرطبی، شمس‌الدین محمد بن احمد؛ التذکره فی أحوال الموتی و أمور الآخرة؛ دمشق: دار ابن‌کثیر، ۱۴۱۹.
۹. لدیانوی، محمدیوسف؛ آپ کی مسائل اور انکا حل؛ کراچی: مکتبه‌لدیانوی.

مسافت‌های بسیار طولانی را از طریق فضا می‌پیمایند، تنها برای کسانی قابل مشاهده و شنیدن‌اند که از دستگاه رادیو و تلویزیون استفاده می‌کنند و افراد دیگر این صداها و تصویرها را نمی‌شنوند و نمی‌بینند، گرچه این امواج از کنار آنها بگذرند. بنابراین انسان‌ها نیز حالات قبر را با وجود نزدیک بودن به آن، در نمی‌یابند و نمی‌بینند، مگر آن کسی که از این دنیا رفته و در عالم برزخ است. با توجه به دلایل فوق بر هر مسلمان لازم است که به غیب ایمان داشته باشد و در حقیقت احوال قبر شک نکند.

شبهه دوم: انسان‌هایی را که درندگان و پرندگان می‌خورند، یا اجزای بدنشان تکه‌تکه و یا خاکستر می‌شود و باد آنها را پراکنده می‌کند، خداوند چگونه عذاب می‌دهد؟

پاسخ: خداوند عزوجل قدرت دارد که روح را با این اعضای پراکنده، پیوندی نامحسوس بدهد که خوشی و عذاب را احساس کنند؛ زیرا خداوند می‌تواند به اجزای پراکنده نیز حیاتی فراتر از ادراک بشری عطا کند تا به سزای اعمال خود برسند. در دنیا نیز بسیاری چیزها به تسبیح و تقدیس خداوند مشغول‌اند، اما انسان‌ها این چیز را احساس نمی‌کنند. خداوند عزوجل می‌فرماید: «و إن من شیء إلا یسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبیحهم»، «إنا سخرنا الجبال یسبحن بالعشی و الإشراق»، «ألم تر أنّ الله یسجد له من فی السموات و من فی الأرض و الشمس و القمر و النجوم و الجبال و الشجر و الدواب و کثیر من الناس». از این آیات در قرآن کریم بی‌شمار است و همانا این تسبیح را بندگان احساس نمی‌کنند؛ زیرا «أب و باد و خاک و آتش بنده‌اند/ با من و تو مرده، با حق زنده‌اند». بنابراین هیچ عاقلی این واقعیت‌ها را که خداوند باربار ذکر کرده است، انکار نمی‌کند. پس اجزای متفرق یک انسان نیز در اختیار قدرت خداوند هستند و هرگونه که او بخواهد بر آنها فرمان می‌راند. همچنین خداوند عزوجل بعضی مثال‌ها را در قرآن به منظور فهم آسان این قبیل مسائل بیان کرده است؛ چنان‌که به حضرت ابراهیم علیه‌السلام دستور داد چهار پرنده را ذبح کرده و اجزایشان را با هم درآمیزد، آن‌گاه آنها را بر کوه‌های مختلف قرار داده و هر یک را فرابخواند و ببیند که چگونه به دستور خداوند اجزای متفرق جمع شده و هر پرنده‌ای به صورت سالم و کامل اولش پیش

درک نیستند و هیچ انسانی نمی‌تواند عذاب و خوشی قبر را با امکانات و معیارهای این دنیا مشاهده کند. بنابراین ندیدن و احساس نکردن احوال مردگان در قبر، دلیل بر عدم وجود آنها نیست.

پاسخ چهارم: یکی از دلایل متقن در این زمینه این آیه است: «فلولا إذا بلغت الحلقوم و أتمت حیثت تنظرون و نحن أقرب إلیه منکم



و لكن لا تبصرون» [واقعه: ۸۳-۸۵]؛ پس هنگامی که [جان‌ها] به حلقوم می‌رسد و شما آن‌گاه [حاضرید و] می‌نگرید و ما از شما به او [محتضر] نزدیک‌تریم ولی شما نمی‌بینید. وقتی انسان‌ها حالات میت را در این جهان و درحالی که بالای سر او نشسته‌اند، نمی‌بینند و درک نمی‌کنند، پس چگونه فشار و عذاب قبر و یا خوشی‌اش را درک می‌کنند؟

پاسخ پنجم: امروزه همه مشاهده می‌کنیم که انسان‌ها به وسیله فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی، صداها و تصویرهایی را پخش می‌کنند، و این صداها و تصویرها که